

تأثیر و تأثر نگارگری ایرانی، غربی و هندی در امپراطوری مغولان کبیر هند

سیدابوالقاسم فروزانی^۱
سینا میرشاهی^۲

چکیده

امپراطوران مغول هند از مهم‌ترین حامیان هنر، به خصوص هنر نگارگری در دوره‌ی زمانی خود در جهان اسلام محسوب می‌شدند. سرزمین هند به علت شرایط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و همچنین درک هنری پادشاهان مغول موجب مهاجرت نگارگران ایرانی به هند شد. این مهاجرت نگارگران در نهایت موجب تأثیرگذاری عمیق نگارگری ایرانی بر نگارگری هند شد. پس از نگارگری ایرانی، نگارگری غربی نیز با سبک‌های جدید و اغوا کننده، نگارگری هند را تحت تأثیر قرار داد. تأثیر نگارگری ایرانی و غربی بر نگارگری هند موجب پدید آمدن سبک‌های جدید و تلفیقی در هنر نگارگری هند دوران مغولان شد. از این‌رو چرایی و چگونگی تأثیرگذاری هنر نگارگری ایرانی و غربی بر نگارگری هند دوران مغولان نیازمند پاسخ است. نوشتار حاضر با بهره‌گیری از مطالعه‌ی تاریخی متکی بر تحلیل، ضمن نشان دادن سیر تاریخی اثرگذاری سبک نگارگری ایرانی و غربی بر نگارگری هندی در دوران مغولان کبیر، ویژگی‌های سبک‌های نگارگری تزئینی ایرانی، رئالیست و منریسم غربی را به‌عنوان عوامل مهم در تأثیرگذاری بر

^۱. هئیت علمی بخش تاریخ دانشگاه شیراز.

^۲. کارشناس ارشد تاریخ اسلام از دانشگاه شیراز و مدرس دانشگاه پیام نور (نویسنده مسؤل)
sinamirshahii@yahoo.com

نگارگری مکتب هند قلمداد کرده است و بر تشبثت هنر نگارگری هند که در نتیجه تأثیر و تأثر نگارگری ایرانی و غربی به وجود آمده تأکید می‌ورزد.

واژه‌های کلیدی

هند، امپراطوری مغولان، نگارگری، ایران، غرب.

مقدمه

آغاز نگارگری در هند به دوران باستان برمی‌گردد. قدیمی‌ترین نگارگری‌های هند باستان نقاشی‌های دیوارهای غار «آجانتا» هستند. این نگاره‌ها از سده‌ی اول پیش از میلاد تا سال ۷۰۰ میلادی مصور شده‌اند. پس از رواج مذهب هندو، به دلیل این‌که پیروان مذهب هندو نگارگری را هنری لایق شأن خدایان نمی‌شمردند؛ این هنر طی قرن‌های بعدی رو به افول نهاد. تا قرن چهاردهم میلادی سبک نگارگری در هند همان سبک نگارگری بر دیوارهای غار آجانتا بود اما پس از آن در قرن چهاردهم میلادی نخستین نشانه‌ها از هنر اسلامی در نگارگری سرزمین هند پدیدار شد اما تأثیر گسترده‌ی نگارگری ایرانی اسلامی در قرن شانزدهم میلادی در دوره‌ی حکومت مغولان هند آغاز شد. پس از پیروزی بابر در جنگ «پانی‌پات» (۱) در سال ۱۵۲۶ میلادی/۹۳۳ هجری، مغولان بر هند مسلط شدند و امپراطوری بزرگی را پایه‌گذاری کردند. با تشکیل حکومت مغولان در هند، هنر نگارگری مورد توجه قرار گرفت. این توجه به نگارگری مصادف با بی‌توجهی به این هنر در سرزمین ایران شد؛ در نتیجه نگارگرانی از ایران به هند مهاجرت کردند. این هنرمندان نگارگری ایرانی را در هند گسترش دادند. بعد از نگارگری ایرانی، نگارگری غربی به صورت غیر مستقیم به هند راه یافت و توانست نگارگران را با سبک‌های جدیدش تحت تأثیر قرار دهد. در نتیجه تأثیر سبک‌های ایرانی، غربی و هندی بر یکدیگر در سرزمین هند، منجر به پدید آمدن سبکی تلفیقی در هنر نگارگری هند شد. این مقاله که به تأثیرگذاری نگارگری ایرانی و غربی بر نگارگری هند تأکید می‌ورزد، ابتدا به تأثیر هنر ایرانی با ویژگی‌های آن بر نگارگری هندی و سپس به تأثیر نگارگری غربی بر نگارگری هند می‌پردازد. در ادامه به نتایج این تأثیرپذیری اشاره می‌کند و سرانجام به عواملی که باعث افول نگارگری هند شد، می‌پردازد. اگرچه هنر نگارگری ایران و مغولان هند مورد توجه

محققان بوده است اما این آثار به توصیف هنر نگارگری پرداخته‌اند لذا تاکنون تحقیقی که به صورت تحلیلی تأثیرگذاری هنر نگارگری ایرانی و غربی را بر نگارگری هند نشان دهد، صورت نگرفته است. این مقاله با توجه و تأکید بر سبک‌های ایرانی و غربی همزیستی و عدم همزیستی این سبک‌ها را بر هنر نگارگری هند نشان می‌دهد.

تأثیر نگارگری ایرانی بر نگارگری مغولان هند

اگرچه تأثیرگذاری نگارگری ایرانی قبل از حکومت مغولان در هند در برخی از آثار دیده می‌شود اما در زمان مغولان هند، نگارگری ایرانی با حمایت پادشاهان هندوستان آن گسترش یافت. ظهیرالدین محمد بابر نخستین امپراطور مغولان در سن دوازده سالگی (۱۴۹۴ م/ ۸۹۹ ق) در فرغانه به قدرت رسید. او در چهارده سالگی سمرقند - شهر هنر تیموری - را تصرف کرد. (شیمل، ۱۳۸۳: ۲۰) بابر با پیروزی در نبرد پانی‌پات (۱) (۱۵۲۶ م/ ۹۳۳ ق) در برابر خاندان لودیان، دهلی را تصرف کرد. (۲) با تصرف دهلی، بابر حکومت مغولان هند را پایه‌گذاری کرد. ظهیرالدین بابر به هنر و ادبیات بسیار علاقه داشت و حتی به فارسی شعر می‌گفت و صاحب تألیفاتی نیز بود. (شیمل، ۱۳۸۳: ۲۰) بابر به علت جنگ‌های فراوان، فرصت کمتری برای پرداختن به هنر داشته است. اما با توجه به خاطرات وی مشخص می‌شود که او به هنر به ویژه نگارگری و نگارگران توجه داشته است. (گری، ۱۳۸۴: ۸۱) در دوره بابر نگارگری هندی از مکتب نگارگری هرات تأثیر پذیرفت. بابر تصاویری از نگارگری مکتب هرات (۳) را به دربار خود آورد تا نگارگران دربارش آن‌ها را الگوی خود قرار دهند. (پرایس، ۱۳۴۷: ۱۷۲) بدین ترتیب دوره فرمانروایی ظهیرالدین محمد بابر آغاز تأثیرگذاری نگارگری ایرانی در امپراطوری مغولان هند بود.

پس از دوره فرمانروایی بابر، نگارگری ایرانی در دوره پادشاهی همایون شاه بیشتر مورد توجه قرار گرفت. همایون پادشاهی با سخاوت و صاحب ذوق بود. او به حکمت و ریاضی آشنایی داشت و برای شعرا، فضلا و هنرمندان احترامی خاص قائل بود. وی همچنین به دو زبان فارسی و ترکی شعر می‌سرود. (شیمل، ۱۳۸۳: ۲۶) همایون به هنر نگارگری و هنرمندان آن توجه زیادی داشت؛ به گونه‌ای که در سال ۱۵۴۲ م/ ۹۴۹ ق سفارش طراحی یک پرده را به شیوه ایرانی به نگارگران دربار خود داد. (برند، ۱۳۸۷: ۲۱۵) یکی از مهم‌ترین عللی که نگارگری ایرانی در هند گسترش فزاینده‌ای یافت، پناهندگی همایون پادشاه مغولان هند به دربار شاه تهماسب صفوی بود. او در زمان پناهندگی به دربار صفوی در مجالس پرده خوانی حضور داشت. (پرایس، ۱۳۴۷: ۱۷۲) حضور

همایون در دربار شاه تهماسب صفوی با بی‌علاقگی شاه تهماسب به هنر نگارگری و نگارگران مصادف شد. در نتیجه بسیاری از نگارگران ایرانی دربار صفوی به دیگر نقاط از جمله به هند مهاجرت کردند. (کنبای، ۱۳۸۹: ۸۵) بازگشت همایون از ایران به هندوستان موجب تغییرات زیادی در سبک نگارگری هند شد. (۴) هنر نگارگری هند تحت تأثیر هنر تزیینی ایرانی - اسلامی صفویه قرار گرفت. همایون در بازگشت به هندوستان، دو نگارگر معروف دربار شاه تهماسب، میرسیدعلی تبریزی و عبدالصمد شیرازی معروف به شیرین قلم (۵) را که از شاگردان بهزاد بودند، به هند برد. (شیمل، ۱۳۸۳: ۳۲۶؛ canby, 105: 1998) همایون با استادان ایرانی خود در کابل مدرسه‌ای نگارگری ایرانی - مغولی جهت تعلیم و تدریس نگارگری ایجاد کرد. (البهسی، ۱۳۸۷: ۳۲۶) همچنین میرسیدعلی تبریزی و عبدالصمد شیرازی با اتکا به نگارگری ایرانی، مکتب نگارگری مغولی (۶) را در هند پایه‌گذاری کردند. (پرایس، ۱۷۲، ۱۳۴۷؛ برنند، ۱۳۸۷: ۲۱۸؛ احمد، ۱۳۶۷: ۱۹۱) نگارگری سبک مغولی که میرسیدعلی تبریزی و عبدالصمد شیرازی در هند پایه‌گذاری کردند، منعکس‌کننده شیوه‌های کمال‌یافته نگارگری تیموریان و صفویان بود. (احمد، ۱۳۶۷: ۱۲۱) همچنین از مهم‌ترین اقدامات نگارگران دربار همایون، نگارگری دوازده جلد از مجالس کتاب امیر حمزه بود. (ولایتی، ۱۳۸۴: ۱۸۷) پس از دوره همایون، تأثیر نگارگری ایرانی در هند در دوره اکبرشاه ادامه یافت. وی پادشاهی بخشنده و هنردوست بود. دوره فرمانروایی او از باشکوه‌ترین دوران امپراطوری مغولان هند در تجارت، شهرنشینی و هنر محسوب می‌شود. اکبرشاه دستور داد تا نگارگران هندی با همراهی استادان تبریزی به نگارگری بپردازند. (شیمل، ۱۳۸۳: ۳۲۶) اولین اقدام بزرگ نگارگری در دوره اکبرشاه، تکمیل عملیات مصورسازی حمزه نامه بود که از زمان پدرش (همایون) آغاز شده بود. (۷) (برنند، ۱۳۶۷: ۱۲۸) همچنین طوطی نامه اثر مهم دیگری بود که در دوره اکبرشاه تحت تأثیر نگارگری ایرانی مصورسازی شد. (Lech, 1995, 18)

پس از اکبرشاه، فرزندش جهانگیر به حکومت مغولان هند رسید. وی نیز به نگارگری ایرانی توجه نمود و نگارگری را وسیله‌ای علمی برای درک بهتر جهان می‌دانست. جهانگیرشاه آن قدر برای نگارگری ارزش قائل بود که در سفرهای خود دو یا سه نفر از نگارگران دربار را همراه خود می‌برد تا وقایع مهم را به وسیله تصویر ثبت کنند. (موریس، ۱۳۸۳: ۷۳) از افتخارات دیگر جهانگیر در عرصه نگارگری تشخیص آثار نگارگران از یکدیگر بود. (کریون، ۱۳۸۸: ۲۲۸) در این دوره تحت تأثیر نگارگری ایرانی، مدارسی در زمینه هنر نگارگری در ایالت‌های هند تأسیس

شد. (شیمل، ۱۳۸۳: ۳۲۹) حکومت جهانگیر مصادف با حکومت شاه عباس - قدرتمندترین شاه صفوی در ایران - بود. در این دوره روابط دوستانه با دربار ایران باعث گسترش تأثیر نگارگری ایرانی بر هند شد. جهانگیر برای کشیدن چهره شاه عباس، بشنداس (۸) نگارگر چیره‌دست هندی را با هیئتی به نزد شاه عباس صفوی فرستاد. (احمد، ۱۳۶۷: ۱۹۸؛ حکمت، ۱۳۳۷: ۱۲۲۱) همچنین جهانگیر به نگارگران دربارش دستور داد تا رویایی که در خواب دیده بود که شاه عباس صفوی را در بغل گرفته است؛ تحت تأثیر نگارگری ایرانی طراحی کنند. (شیمل، ۱۳۸۳: ۳۳۰) (۹) در دوره فرمانروایی جهانگیرشاه، تأثیر نگارگری ایرانی بر نگارگری هند به اوج خود رسید. در نگارگری‌های این دوره تصاویر تحت تأثیر نگارگری ایرانی باریک و ظریف ترسیم می‌شدند. پس از وی در دوره شاه جهان نگارگری ایرانی بر تأثیرگذاری خود بر هنر نگارگری هند ادامه داد. در دوره این پادشاه، حکومت مغولان هند به بزرگترین شکوفایی هنری خود رسید. (شیمل، ۱۳۸۳: ۵۲) هنر نگارگری در دوره شاه جهان متمایل به دربار شد. قبل از وی، تصاویر گوناگونی از مسائل مختلف و روزمره مردم کشیده می‌شد اما از زمان او نگارگری منحصر به زندگی مجلل دربار و مجالس رسمی شد. (پرایس، ۱۳۴۷: ۱۸۳) در دوره شاه جهان اصول ترسیم مناظر و مرایا، مدل‌سازی و سایه زدن در نگارگری هند رواج یافت. همچنین از بهترین قلم موها و جدیدترین رنگ‌ها در نگارگری استفاده شد. (چاند، ۱۳۷۴: ۳۳۱) محمد فاخرالله، میره‌اشم، هون‌هاد و انوپ چهارتر از معروف‌ترین نگارگران عصر شاه جهان بودند. شاهزاده دارا شکوه فرزند بزرگ شاه جهان از حامیان هنرنگارگری ایرانی بود. او مانند پدر علاقه زیادی به جمع‌آوری تصاویر داشت اما این شاهزاده هنردوست هرگز به حکومت نرسید. (موریس، ۱۳۸۳: ۷۵) با برکناری شاه جهان از حکومت توسط اورنگ زیب، نگارگری ایرانی در هندوستان رونق خود را از دست داد. به احتمال قوی یکی از مهم‌ترین دلایل مخالفت اورنگ زیب نسبت به نگارگری ایرانی صفوی تعصبات مذهبی و همچنین مناسبات سیاسی وی بود.

حمزه نامه اوج تأثیر نگارگری ایرانی بر نگارگری هند

حمزه نامه از جمله آثار نشان دهنده تأثیر سبک نگارگری ایرانی بر نگارگری هندی است. این اثر ریشه در حماسه‌های ایرانی - اسلامی داشته و به علت این که داستانی عامیانه و قابل فهم بوده است؛ در هند مورد توجه قرار گرفت. (محبوب، ۱۳۸۳: ۱۱۴۳)

حمزه نامه با نام‌های دیگری همچون حمزه صاحبقران و رموز حمزه در سرزمین هند شناخته

می شده است. اگرچه نخستین تلاش‌ها برای مصور کردن داستان حمزه نامه در زمان همایون‌شاه صورت گرفت اما در زمان اکبرشاه پس از ۱۵ سال کار بر روی تصاویر آن به اتمام رسید. (برند ۱۳۶۷:۱۲۸) این کتاب شامل ۱۴۰۰ تصویر با اندازه بزرگ از جنس کتان با ورق سفت شده در مورد حمزه عموی پیامبر و... بود. (برند ۱۳۶۷:۱۲۸) در مصورسازی حمزه نامه دو شخصیت هنرمند ایرانی به نام‌های میرسیدعلی و عبدالصمد بیشترین نقش را داشتند. (حسینی، ۱۳۸۴:۱۷) در حمزه نامه اوج تأثیرگذاری نگارگری ایرانی و تلاش استادان ایرانی بر هنر نگارگری هند نمایان است و هنر تزئینی ایرانی مهم‌ترین ویژگی این اثر است. همچنین عناصر نگارگری ایرانی در ترسیم چهره‌ها، صخره‌ها و درختان از دیگر ویژگی‌های حمزه نامه است.

تأثیرگذاری سبک نگارگری غربی بر نگارگری هند

پس از مجموعه تأثیرات سبک نگارگری ایرانی بر نگارگری هندی، نگارگری غربی نیز به هنر هند راه یافت. هنر نگارگری غربی از زمان حکومت همایون دومین پادشاه مغولان هند مورد توجه قرار گرفت. در دوره همایون نگارگران هندی به تقلید از آثار نگارگری اروپایی پرداختند. در دوره اکبرشاه نگارگری غربی و سبک‌های آن محبوبیت بیشتری در سرزمین هند یافت. در مارس ۱۵۸۰م/۹۸۷ق یک هیأت ژروویت در دربار اکبرشاه حضور یافتند. این هیأت مذهبی به امید مسیحی کردن اکبرشاه یک نسخه انجیل پلانتین که توسط نگارگران هلندی با سبک رئالیست مصور شده بود، به او اهداء کردند. اکبرشاه شیفته این تصاویر با درون مایه مذهبی شد لذا دستور داد تا نگارگران دربار تصاویری از مریم مقدس و فرزندش عیسی مسیح را همانند سبک رئالیست غربی نگارگری کنند. (پرایس، ۱۳۴۷:۱۷۶) در نتیجه این اقدام، سبک رئالیسم اروپایی در هند راه یافت.

نگارگری کتاب *خمسه نظامی* که در ۱۵۹۵م/۱۰۰۲ق انجام شد نشان دهنده تأثیر سبک رئالیسم اروپایی بر هنر نگارگری هند است. دومین سبک غربی که در دوره اکبرشاه مورد توجه قرار گرفت، سبک منریسم (شیوه‌گرایی) اروپایی بود. (۱۰) سبک منریسم نمادگرا و اسرارآمیز با تصاویر عجیب و نامتعارف و گویای حسی از ناآرامی روانی هنرمند بود. (لوسی‌اسمیت، ۱۳۸۰:۲۱۰) دوره فرمانروایی اکبرشاه اوج اثرگذاری نگارگری غربی بر نگارگری هند بود. در دربار اکبرشاه کارگاه نگارگری‌ای وجود داشت که نگارگران بسیاری در آن حضور داشتند و در سبک‌های مختلف از جمله در سبک غربی تبحر داشتند. برخی تعداد این نگارگران را صد تن ذکر

می‌کنند. (brown, 1954:63)

در دورهٔ جانشینان اکبرشاه نیز سبک نگارگری غربی مورد توجه قرار گرفت و در دورهٔ جهانگیرشاه بیشتر سبک رئالیسم اروپایی (واقع‌گرایی) مورد توجه نگارگران بود. وی آثار هنری انگلیسی و ایتالیایی را به خوبی می‌شناخت. نگارگران دربار جهانگیر تصاویر مذهبی اروپایی را نگارگری می‌کردند. (پرایس، ۱۳۴۷:۱۸۳؛ کونل، ۱۳۸۴:۲۲۳) همچنین در این دوره آلبوم‌های تصاویر به سبک غربی به وجود آمد. (شیمل، ۱۳۸۳:۳۳۵)

تأثیر نگارگری غربی در دوره‌های بعد نیز همانند دورهٔ جهانگیر ادامه یافت و نگارگری هندی را تحت تأثیر خود قرار داد. نگارگری غربی بیشتر در بعد تصاویر مذهبی دین مسیح به هند وارد شد. این تصاویر مورد علاقهٔ پادشاهان مغول هند قرار گرفتند که در نهایت زمینه‌ساز کاهش حس شاعرانه و اغراق‌آمیز نگارگری ایرانی و ناتورالیستی هندی در نگارگری شد.

احیای سبک نگارگری هندی در امپراطوری مغولان هند

نگارگری هندی پیشینه‌ای باستانی داشت. از مهم‌ترین ویژگی‌های این سبک دیدگاه ناتورالیستی آن بود که توانسته بود پس از قرن‌ها مورد توجه هنرمندان هندی قرار گیرد اما به علت اینکه حکام و رهبران هندوی هند هنر نگارگری را در شأن خدایان نمی‌دانستند؛ این هنر مورد کم‌توجهی قرار گرفت. با روی کار آمدن حکومت مغولان هند، پادشاهان این حکومت سعی کردند نگارگری هندی را دوباره احیاء کنند. هندی کردن هنر نگارگری مغولی و پایه‌گذاری سبکی ملی نتیجهٔ اقدامات اکبرشاه بود. (احمد، ۱۳۶۷:۱۹۲) اکبرشاه که به باورهای مردم سرزمین‌های تحت نفوذش احترام می‌گذاشت به همین جهت دستور داد که افسانه‌های باستانی مه‌باراتا و رامایانا را با تکیه بر دیدگاه ناتورالیستی تصاویر غارهای «آجاتنا» مصور کنند. (۱۱) (پرایس، ۱۳۴۷:۱۷۶) در دورهٔ اکبرشاه سبک جدید راجپوت شکل گرفت که با طرد مضامین دنیایی، در جهت احیای تفکرات و تصورات مذهبی هند باستان برآمد. (احمد، ۱۳۶۷:۱۹۴) این سبک، نگارگری ملی و بومی شمال سرزمین هند بود. (موریس، ۱۳۸۳:۷۶) با به وجود آمدن سبک راجپوت، نگارگری هندی که قرن‌ها فراموش شده بود، حیات تازه‌ای یافت و به تدریج رقیبی برای سبک نگارگری ایرانی اسلامی و غربی در سرزمین هند شد. (lech, 1995:19)

تقابل و تلفیق سبک‌های ایرانی، غربی و هندی در امپراطوری مغولان هند

با عنایت به مطالب فوق تحت‌تأثیر نگارگری ایرانی، غربی و هندی در سرزمین مغولان هند، سبک نگارگری‌ای از اختلاط آنها به وجود آمد که در ترسیم تصاویر از ویژگی‌های هر سه سبک استفاده می‌شد. این سبک تلفیقی توانست نوعی همزیستی از آثار غربی و شرقی را در هنر نگارگری نشان دهد. اگرچه در برخی موارد نگارگران سرزمین هند در استفاده از سبک‌های جدید و تلفیقی زیاده روی کردند؛ زیاده روی از سبک تزئینی ایرانی و همچنین سبک رئالیست و منریسم غربی و ناتورالیست هندی باعث تشبث هنری در برخی از تصاویر نگارگری هند دوران مغولان شد. تصاویر کدر شده، بی‌روح و شلوغ از ویژگی‌های نگارگری این دوران است. (برند، ۱۳۸۳: ۲۱۸) این تشبث نگارگری از نتایج تلفیق نگارگری دوران اکبرشاه است. (شیمل، ۱۳۸۳: ۳۲۸) در دوران او کارگاه‌های نگارگری بیشترین سعی را در استفاده از سه سبک هندی، ایرانی و غربی کردند.

افول هنر نگارگری در سرزمین مغولان هند

با به سلطنت رسیدن اورنگ زیب نگارگری مغولان هند رو به افول نهاد. اورنگ زیب که با زندانی کردن پدرش شاه‌جهان به قدرت رسید. (دولاندلن، ۱۳۸۷: ۱۲۵؛ شیمل، ۱۳۸۳: ۵۲) فردی جنگ‌طلب بود و به هنر هیچ علاقه‌ای نشان نمی‌داد. (کونل، ۱۳۸۴: ۲۲۳) اورنگ زیب حمایت و پشتیبانی حکومت از هنر را قطع کرد. در نتیجه این اقدام بسیاری از هنرمندان دربار او به نقاط مختلف هند مهاجرت کردند. برخی از این هنرمندان به خدمت و استخدام اشراف زادگان درباری و برخی دیگر هم به استخدام اشراف و بزرگان هندوی راجستان درآمدند. (موریس، ۱۳۸۳: ۷۵) طی چهل سال حکومت اورنگ زیب ضربه سنگینی به هنر نگارگری هند وارد شد. (احمد، ۱۳۶۷: ۱۹۸) اورنگ زیب به علت انگیزه‌های افراطی مذهبی‌اش، با هنر نگارگری مخالفت کرد اما هنر نگارگری همچنان در دوره او ادامه یافت. تصاویر و نگارگری‌های بسیار اندکی وی را در حال نبرد ساموگره (۱۲) و همچنین در حال نماز خواندن، قرآن خواندن و ملاقات رسمی نشان می‌دهد. (برند، ۱۳۸۳: ۲۲۳؛ شیمل، ۱۳۸۳: ۵۳) وی که یکی از قدرتمندترین زمامداران هند بود، در سال ۱۷۰۷م در سن نود دو سالگی درگذشت (دولاندلن، ۱۳۸۷: ۱۲۶)

پس از حکومت اورنگ زیب، حکومت مغولان هند اتحاد خود را از دست داد و جنگ‌های خونینی بین فرزندان او بر سر جانشینی درگرفت که باعث هرج و مرج در سراسر امپراطوری

مغولان هند شد. (دولافوز، ۱۳۱۶: ۱۹۴) تنها در دورهٔ محمدشاه نبیرهٔ اورنگ زیب، دوباره به نگارگری توجه شد. بسیاری از هنرمندان از جمله نگارگران به دهلی برگشتند و با حمایت محمدشاه نگارگری روح تازه ای یافت اما نگاره‌های این دوره بیشتر موضوعات غیر اخلاقی و بی‌بند و باری‌های محمد شاه را به تصویر می‌کشید.

بعد از مرگ محمد شاه ۱۷۴۸م هنر نگارگری به صورت پراکنده و در بیرون از دربار به حیات خود ادامه داد. سبک نگارگری ایرانی هم تنها در بخش‌هایی نظیر مرشدآباد در بنگال، لاکنو در اوده به حیات خود ادامه داد. (شیمل، ۱۳۸۳: ۵۶) پس از بهادرشاه ظفر آخرین پادشاه مغول هند، انگلیسی‌ها سراسر هند را به زیر سلطهٔ خود بردند. با سلطهٔ انگلیسی‌ها، حکومت مقتدر مغولان پس از چندین قرن شکوفایی هنری به پایان رسید. بدفهمی‌های سلطه‌جویان انگلیسی و عدم رغبت آنها نسبت به هرچیز متعلق به هنر اسلامی و هندی باعث شد که سبک نگارگری ایرانی و مغولی مجال برای خودنمایی پیدا نکند. در چنین شرایطی سبک نگارگری ایرانی که توانسته بود قرن‌ها شکوفایی خود را در سرزمین هند حفظ کند مورد بی‌توجهی قرار گرفت.

نتیجه‌گیری

یکی از مهم‌ترین دلایل پیشرفت نگارگری و جذب نگارگران در دورهٔ مغولان کبیر هند، درک بالای هنری پادشاهان این سلسله بود. خاندان بابر از مهم‌ترین و برجسته‌ترین حامیان هنر بخصوص هنر نگارگری در جهان اسلام بودند. پس از تشکیل حکومت مغولان هند به علت همجواری با سرزمین ایران که از نظر هنری به تعالی خود رسیده بود و همچنین ورود غربیان به شبه قارهٔ هند، نگارگری هند تحت تأثیر سبک‌های ایرانی و غربی قرار گرفت. هنر نگارگری ایرانی صفوی که هنری تزئینی بود، خیلی زود مورد توجه پادشاهان مغول هند قرار گرفت به طوری که مدارسی برای نگارگری تحت تأثیر نگارگری ایرانی به وجود آمد و سبک ایرانی بیشترین تأثیر را بر نگارگری هندی گذاشت. این سبک توانست با درون‌مایهٔ اسلامی و تزئینات بی‌شمار مورد توجه نگارگران هندی قرار گیرد. پس از نگارگری ایرانی، نگارگری هند تحت تأثیر سبک‌های نگارگری غربی رئالیست و منریسم قرار گرفت. اگرچه نگارگران دوران مغولان هند بیشتر کپی آثار غربی را مدنظر قرار می‌دادند.

در دورهٔ اکبرشاه، سبک هندی نگارگری باستانی پس از سال‌ها دوباره احیا شد؛ این سبک که راجپوت نام گرفت توانست به علت حس ناسیونالیستی تأثیرگذارش را بر نگارگری هند حفظ

۱۴۸ مطالعات تاریخی جهان اسلام

سال چهارم، شماره ۸، پاییز و زمستان ۱۳۹۵

کند. با توجه به حضور این سه سبک نگارگری در هند، آثاری تلفیقی به وجود آمد که هر سه سبک در آن نمودار شدند. اگرچه در برخی آثار تلفیق بیش از حد، به اصل اولیه نگارگری ضربه زد و باعث تشننت هنری شد اما این همزیستی هنری نقطه اوج تلفیق هنر نگارگری مغولان کبیر هند بود. نگارگری مغولان هند پس از سال‌ها به تدریج به علل تعصبات مذهبی، ملاحظات سیاسی، ضعف حکومت مرکزی و ورود استعمار غرب رو به افول نهاد و هرگز به اوج خود بازنگشت.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- Panipat منطقه‌ای در نود کیلومتری دهلی.
- ۲- بابر در سال ۹۳۳/۱۵۲۶ ابراهیم لودی حاکم دهلی را شکست داد و دهلی را فتح کرد. (جلالی‌نائینی، ۱۳۷۵: ۵۳)
- ۳- پایه‌گذاری مکتب هرات به دوره تیموریان برمی‌گردد. این مکتب تحت تأثیر هنر چین قرار داشت. از معروف‌ترین نگارگران این مکتب کمال الدین بهزاد است. (شراتو؛ گروه، ۱۳۸۴: ۳۶)
- ۴- هنرمندان هندی توسط دو نگارگر ایرانی عبدالصمد شیرازی و سیدعلی تبریزی به یادگیری سبک ایرانی-اسلامی پرداختند.
- ۵- نمایندگان مکتب تبریز.
- ۶- پس از ورود سبک نقاشی چینی به ایران در دوره مغولان، نگارگری ایران تحت تأثیر آن قرار گرفت و باعث پدید آمدن سبک مغولی شد. (شراتو؛ گروه، ۱۳۸۴: ۱۹)
- ۷- حمزنامه شامل داستان‌های ایرانی - اسلامی که طی ۱۵ سال به سرپرستی سیدعلی تبریزی و عبدالصمد شیرازی مصور شد.
- ۸- bshndas
- ۹- در این نقاشی جهانگیر بزرگتر و با شکوه‌تر از شاه عباس که لاغرتر است کشیده شده است.
- ۱۰- *mennerism* اصطلاحی که از سده هفدهم در هنر ادبیات رایج شد. منریسم تقریباً به فیگور انسانی می‌پرداخت. دراز نمایی پیکرها، حرکت‌های پرپیچ و تاب، رنگ‌های ناملایم از شگردهای نگارگران منریسم بود.
- ۱۱- از داستان‌های حماسی هند باستان (جلالی‌نائینی، ۱۳۷۵: ۳۹).
- ۱۲- اورنگ زیب طی این جنگ مخالفانش را شکست داد.

منابع و مأخذ

- احمد، عزیز(۱۳۶۷). تاریخ تفکر اسلامی در هند، ترجمه نقی لطفی، محمد جعفر یاحقی، تهران، انتشارات کیهان با همکاری انتشارات علمی.
- اسون دیمانده، موريس(۱۳۸۳). راهنمای صنایع اسلامی، ترجمه عبدالله فریار، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- البهسی، عقیف(۱۳۸۷). هنر اسلامی، ترجمه محمود پورآقاسی، تهران، انتشارات سوره مهر.
- برند، باربارا(۱۳۸۳). هنر اسلامی، ترجمه مهناز شایسته‌فر، تهران، مؤسسه مطالعات هنر اسلامی.
- پرایس، کرسیتین(۱۳۴۷). تاریخ هنر اسلامی، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- جلالی‌نایینی، محمدرضا(۱۳۷۵). هند در یک نگاه، تهران، بی نا.
- چاند، تارا(۱۳۷۴). تأثیر اسلام در فرهنگ هند، ترجمه عزالدین عثمانی و علی پیرنیا، تهران، نشر پاژنگ.
- حکمت، علی اصغر(۱۳۳۷). سرزمین هند، تهران، چاپخانه دانشگاه تهران.
- خاوری، هادی(۱۳۸۶). «منریسم»، ماهنامه رشد آموزش هنر، شماره ۴، صفحه ۲۶.
- دولافوز، ث(۱۳۱۶). تاریخ هند، ترجمه فخرالدین گیلانی، تهران، چاپخانه مجلس.
- دولاندلن، شارل(۱۳۸۷). تاریخ جهانی، مترجم احمد بهمنش، تهران، دانشگاه تهران، ج ۲.
- راجرز، جی‌ام(۱۳۸۴). «نگارگری مغول، مواد، روش‌های عملی و شیوه‌های کارگاهی»، ترجمه جمیله هاشم‌زاده، کتاب ماه هنر، شماره ۸۸-۸۷.
- شراتو، امبرتو؛ گروبه، ارنست(۱۳۸۴). هنر ایلخانی و تیموری، ترجمه یعقوب آژند، تهران، انتشارات مولی.
- شیمیل، آنه ماری(۱۳۸۳). در قلمروی خانان مغول، ترجمه فرامرز نجد سمعی، تهران، امیرکبیر.
- کونل، ارنست(۱۳۸۴). هنر اسلامی، ترجمه هوشنگ زاهری، تهران، انتشارات توس.
- کریون، روی‌سی(۱۳۸۸). تاریخ مختصر هنر هند، ترجمه فرزنان سجودی و کاوه سجودی، تهران، فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران.

کنبای، شیلا (۱۳۸۹). نگارگری ایرانی، ترجمه مهناز شایسته‌فر، تهران، مؤسسه مطالعات هنر اسلامی.

گری، بازیل (۱۳۸۴). نگارگری ایران، ترجمه عربعلی شروه، تهران، انتشارات نشر دنیای نو.
لوسی‌اسمیت، ادوارد (۱۳۸۰). فرهنگ اصطلاحات هنری، ترجمه فرهاد گشایش، تهران، انتشارات عفاف.

ولایتی، علی اکبر (۱۳۸۴). فرهنگ و تمدن اسلامی، قم، دفتر نشر معارف.
محبوب، محمدجعفر (۱۳۸۳). ادبیات عامیانه ایران، به کوشش حسن ذوالفقاری، تهران، نشر چشمه.

حسینی، مهدی (۱۳۸۴). حمزنامه، خیال شرقی، تهران، انتشارات فرهنگستان هنر.
منابع لاتین

1- canby.sheila r.(1995)Princes, poets and paladins: Islamic and Indian paintings from the collection of prince and princess.london.British Museum.

2- Leach.yorkt (1998) Mughal and other Indian Paintings:from the chesterBeaty Library. London.Scorpion Cavendish.

3- brown.percy (1924)Indian painting under the mughals.london Edinburgh.oxford university.